

جرئت‌ورزی، حرمت‌خود و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی*

چکیده

پژوهش حاضر به منظور مقایسه میزان «جرئت‌ورزی»، «حرمت‌خود» و «پیشرفت تحصیلی» دانش‌آموزان «تیزهوش» و «عادی» و همچنین بررسی روابط موجود بین این متغیرها صورت گرفته است. ۶۰ دانش‌آموز تیزهوش (۳۰ پسر و ۳۰ دختر) از مراکز سمپاد زنجان و ۶۰ دانش‌آموز عادی (۳۰ پسر و ۳۰ دختر) از پایه اول دبیرستان در سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱ به صورت تصادفی انتخاب شده و با استفاده از «سیاهه حرمت‌خود کوپر اسمیت»، «آزمون جرئت‌ورزی گمبیل و ریچی» و «معدل سال گذشته» مورد بررسی قرار گرفتند. جهت تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری تحلیل واریانس چند متغیره و ضریب همبستگی دو متغیره استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد دانش‌آموزان تیزهوش در هر سه متغیر «جرئت‌ورزی»، «حرمت‌خود» و «پیشرفت تحصیلی» بر دانش‌آموزان عادی برتری دارند، اما تفاوتی بین میزان متغیرهای فوق در دو «جنس» ملاحظه نشد. از سوی دیگر هر سه متغیر جرئت‌ورزی، حرمت‌خود و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان عادی دارای رابطه معنادار بود، اما در دانش‌آموزان تیزهوش تنها بین دو متغیر جرئت‌ورزی و حرمت‌خود رابطه وجود داشت.

کلیدواژه‌ها: جرئت‌ورزی، حرمت‌خود، پیشرفت تحصیلی، دانش‌آموز، تیزهوشان.

* این مقاله توسط اینجانب از پایان‌نامه آقای مسعود حجازی که تحت همین عنوان و به راهنمایی آقای دکتر باقر غباری بناب در تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۳ در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران دفاع گردید، استخراج و تدوین شده است (جواد ازهای).

● مقدمه

جرئت‌ورزی^۱ در دهه‌های اخیر، توجه بسیاری از روانشناسان و پژوهشگران حیطه‌های رفتاری را به خود جلب کرده است. از جمله عوامل مهم این روی‌آوری و جلب توجه را می‌توان اهمیت جرئت‌ورزی در ارتباط‌های میان‌فردی^۲ و نقش مؤثر و سازگارانه آن در تعامل‌ها و مهارت‌های اجتماعی و رویارویی با مسایل زندگی دانست.

از منظر روانشناختی، می‌توان گفت رفتارهای غیر جرئت‌ورزانه، یا ناتوانی در بیان عواطف، ابراز خواسته‌ها و اعمال رجحانهاست و موجب رفتارهای بازدارنده و اجتنابی در مقابله با موقعیت‌ها و ناتوانی در احقاق حقوق فردی می‌گردد؛ مانند رفتارهای کمرویی، خجالتی^۳ بودن و سلطه‌پذیری. و یا ناتوانی در بازداری رفتارهای واکنشی و اضطرابی است که در اعمال رجحانها و احقاق حقوق معمولاً غیرواقعی و تصویری خود، علیه دیگران صورت می‌گیرد. در این وضعیت، به حقوق و رجحانهای دیگران توجه نمی‌شود و حتی گاه این حقوق مورد تعدی واقع می‌شوند. تندخویی، خصومت، سرزنشگری، منفی‌بافی، پررویی، گستاخی و انواع رفتارهای تهاجمی، نمونه‌هایی از نوع دوم رفتارهای غیر جرئت‌ورزانه هستند. درحالی که رفتارهای جرئت‌ورزانه، با مواردی چون خودپنداشت مثبت^۴، حرمت خود^۵، تسلط^۶، خودبستگی و اعتماد به خود^۷ همگرایی و همبستگی دارند. دسته اول رفتارهای غیر جرئت‌ورزانه، با ترس‌ها و هراس‌های اجتماعی^۸، نابسندگی و اضطراب اجتماعی^۹ و انواع پرخاشگریهای درونی^{۱۰} و دسته دوم رفتارهای غیر جرئت‌ورزانه، با خشونت‌های فیزیکی، افکار و هذیانهای خصمانه، کینه‌توزیهای پارانوییدی و انواع پرخاشگریهای بیرونی، همگرایی و همبستگی نشان می‌دهند. رفتارهای جرئت‌ورزانه، رفتارهایی متعادل هستند و فرد جرئت‌ورز ضمن پافشاری برخواسته‌های منطقی و انجام رفتار مخالفتی در دفاع از خواسته‌ها، حقوق و اولویتها، سلیقه‌ها و رجحانهای دیگران را مورد توجه قرار می‌دهد و از اجحاف بر حقوق دیگران و تضییع آنها، خودداری می‌کند. در افراد انفعالی، ناتوانی در ابراز و در افراد پرخاشگر، ناتوانی در بازداری، غلبه دارد و در افراد جرئت‌ورز، رفتارهای ابرازی و اجتنابی، با هم و به تناسب موقعیت، به گونه‌ای متوازن و متعادل عمل می‌کنند. توند می‌گوید: فرد جرئت‌ورز واجد اطمینان به خود است. احساس، افکار و بازخوردی مثبت نسبت به خود و دیگران دارد و رفتارش با دیگران صریح و صادقانه است (توند، ۱۹۹۱). به هر حال به نظر

می‌رسد آموزش و پرورش به عنوان طلایه‌دار تربیت و تهذیب دانش‌آموزانی که در وهله نخست، بر خویشتن اعتماد داشته باشند و ارزش وجودی خویش را بپذیرند، باید از تدارک و تمهید افراد باسواد ولی ترسو، مطیع و تحمیل‌پذیر، سخت بپرهیزد. باید به جای تخریب شخصیت و تحدید قدرت فکر و زدودن حس خلاقیت^{۱۱} و نوخواهی و نوآفرینی و جرئت‌ورزی، به بنای شخصیت و استحکام آن پردازد و باعث افزایش قدرت اظهار وجود و حرمت خود در فرد شود.

● بیان مسئله

بی‌جرئی و نداشتن «حرمت خود» یکی از جدی‌ترین مشکلات کودکان و نوجوانان است. افراد فاقد جرئت و حرمت خود هرچند برای دیگران ناراحتی و رنجش ایجاد نمی‌کنند، ولی ممکن است به سبب رنجش ناشی از احساس نایمنی و بی‌کفایتی در خود، یکی از ناشادترین انسانها باشند و در نتیجه پیوسته به دنیای درونی خویش پناه برند. اگر در مورد رفتار غیراجتماعی این‌گونه کودکان چاره‌ای اندیشیده نشود، آنان خطرناکترین و مساعدترین وضع را برای ابتلا به روان‌گسیختگی خواهند داشت (ایرانی‌زاده، ۱۳۷۶). اما جرئت‌ورزی به شخص این امکان را می‌دهد، تا ارتباطات مناسبی با اطرافیان خود برقرار کرده و در جریان زندگی پیشرفت کند.

اتلر^{۱۲} (۱۹۷۹) بیان می‌کند: کاهش اضطراب بین شخصی، توسعه ارتباط موفق و باز، ابراز احساسات مثبت، عشق و قدردانی و افزایش احساسات احترام و تکریم خود در مواجهه با دیگران، موقعیت‌هایی هستند که در رفتار توأم با ابراز وجود، مناسب می‌باشد. فردی که جرئتمند است، با موقعیت‌های مختلف به‌طور موفقیت‌آمیزی برخورد می‌کند. افراد از طریق ابراز وجود، بیشتر از رفتار پرخاشگرانه و غیرجرئتمندانه می‌توانند نیازهای خود را ارضا کنند (به نقل از فتوحی، ۱۳۸۰).

برخی از تحقیقات به بررسی میزان جرئت‌ورزی، حرمت خود و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش^{۱۳} در مقایسه با دانش‌آموزان عادی پرداخته‌اند. سوئیتک (۲۰۰۲) و گروس (۲۰۰۱) گزارش می‌کنند که حرمت خود دانش‌آموزان تیزهوش بالاتر از دانش‌آموزان عادی است، اما انریچ (۲۰۰۱) و فتیحی آشتیانی (۱۳۷۵) تفاوت معنی‌داری در حرمت خود

این دو گروه ملاحظه نکردند. بهرامی‌پور (۱۳۷۵) و ترخان (۱۳۷۲) نتیجه‌ای مشابه با نتایج سوئیتک و گروس گرفتند. هام و شاگنسی (۱۹۹۲)، کارنز، چاوین و ترانت (۱۹۸۵) و هانت و راندهاوا (۱۹۸۰) گزارش نمودند که میزان جرئت‌ورزی دانش‌آموزان تیزهوش بیشتر از دانش‌آموزان عادی است. و بالأخره در مورد پیشرفت تحصیلی، ولاه‌وویک و همکاران (۱۹۹۹)، ریزنبرگ و همکاران (۱۹۹۲) و لیندا (۱۹۹۲) بر پیشرفت تحصیلی بیشتر دانش‌آموزان تیزهوش تأکید نمودند.

آنچه که پژوهشگر در این تحقیق به دنبال آن است بررسی مقایسه‌ای میزان جرئت‌ورزی، حرمت خود و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی است. بررسی رابطه موجود بین متغیرهای فوق‌الذکر، از دیگر اهداف پژوهش می‌باشد. نتایج تحقیق حاضر، نشان خواهد داد که اولاً آیا رابطه‌ای بین جرئت‌ورزی، حرمت خود و پیشرفت تحصیلی وجود دارد و ثانیاً این که آیا در میزان متغیرهای ذکر شده بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تفاوتی وجود دارد یا نه؟

● اهداف پژوهش

هدف اصلی این مطالعه، دستیابی به ویژگی‌های نمونه‌ای از افراد تیزهوش و عادی از لحاظ مؤلفه‌های «جرئت‌ورزی»، «حرمت خود» و «پیشرفت تحصیلی» است. در نتیجه، میدان بررسی در سطح دستیابی به معیارهای بنیادی و تبیین ویژگی‌های روانشناختی مورد نظر تا حد مقایسه گروه‌های مورد مطالعه گسترش می‌یابد. پیداست که تعیین تفاوت‌هایی که بین دانش‌آموزان تیزهوش و عادی از لحاظ جنس وجود دارد نیز، مطرح می‌گردد. از سوی دیگر بررسی رابطه جرئت‌ورزی، حرمت خود و پیشرفت تحصیلی به عنوان هدف دیگر طرح مورد نظر است.

□ سؤال‌های پژوهش

- ۱) آیا بین میزان جرئت‌ورزی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تفاوت وجود دارد؟
- ۲) آیا بین میزان حرمت خود دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تفاوت وجود دارد؟
- ۳) آیا بین میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی تفاوت وجود دارد؟
- ۴) آیا بین میزان جرئت‌ورزی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد؟
- ۵) آیا بین میزان حرمت خود دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد؟
- ۶) آیا بین میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد؟

۷) آیا رابطه‌ای بین جرئت‌ورزی، حرمت خود و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان تیزهوش وجود دارد؟

۸) آیا رابطه‌ای بین جرئت‌ورزی، حرمت خود و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان عادی وجود دارد؟

□ متغیر مستقل: وضعیت گروهی در دو حالت تیزهوش و عادی.

در این تحقیق منظور از دانش‌آموز تیزهوش، دانش‌آموزی است که در مدارس سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان (سمپاد) پذیرش شده و مشغول به تحصیل می‌باشد و دانش‌آموز عادی، دانش‌آموزی است که در مدارس عادی آموزش و پرورش، مشغول به تحصیل می‌باشد.

□ متغیرهای وابسته

○ جرئت‌ورزی رفتاری بین فردی است که در آن بیان صادقانه و نسبتاً مستقیم افکار و احساساتی که از نظر اجتماعی مناسب می‌باشند وجود دارد؛ به طوری که احساس راحت بودن دیگران در نظر گرفته شود (راکز، ۱۹۹۱).

به طور کلی، «جرئت‌ورزی» دامنه وسیعی دارد و بیان احساس‌های انسانی، اعمال رجحانها، ابراز نیازها و عقاید را به طریقی که حالت تنبیهی و تهدیدی نداشته و در ارتباط با شخص دیگری باشد، در برمی‌گیرد، و با درگیری و بیان نابجا و نامناسب توأم با میزان زیادی ترس و اضطراب تفاوت دارد.

«جرئت‌ورزی» فواید بسیاری برای افراد در بردارد. ویلسن^{۱۴} (۱۹۹۴)، به نقل از فتوحی،

(۱۳۸۰) فواید آن را بدین شرح بیان می‌کند:

۱) ارتباط جرئتمندانه و ابراز وجود، اعتماد به نفس را افزایش می‌دهد، ۲) ابراز وجود تعارض را کاهش می‌دهد، ۳) ابراز وجود موجب رفتار احترام‌آمیز و عادلانه می‌شود، ۴) ابراز وجود تنیدگی را کاهش می‌دهد.

○ حرمت خود

از نظر راجرز، عبارت از ارزیابی و ارزشیابی مداوم شخصی نسبت به ارزشمندی خود و نوعی قضاوت شخص نسبت به ارزشمندی وجودی خویش می‌باشد. این صفت، خاصیتی

عمومی است و در همه انسانها وجود دارد و یک حالت ثابت و دائمی دارد (راجرز به نقل از اسلامی نسب، ۱۳۷۳). در این تحقیق، حرمت خود عبارت است از نمره‌ای که فرد از آزمون حرمت خود کوپر اسمیت بدست می‌آورد.

○ در این تحقیق، «پیشرفت تحصیلی» عبارت است از معدل کل دروس سال گذشته دانش‌آموزان.

○ جرئت‌ورزی در تیزهوشان

به طور کلی، تحقیقات زیادی در مورد جرئت‌ورزی تیزهوشان صورت نگرفته است، اما تحقیقات صورت گرفته، حاکی از جرئت‌ورزی بیشتر دانش‌آموزان تیزهوش نسبت به دانش‌آموزان عادی است. بوهن (۱۹۷۳) در پژوهشی، اقدام به بررسی خصوصیات شخصیتی دانش‌آموزان پیشرفته درسی نمود. وی برای این منظور، ۷۴ دانش‌آموز را به صورت تصادفی انتخاب کرد. دانش‌آموزان با «پرسشنامه‌روانشناختی کالیفرنیا» و «چک لیست رفتار سازشی» مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان داد: مهمترین ویژگی‌هایی که این دانش‌آموزان را از سایرین متمایز می‌نمود، عبارت بودند از: جرئت‌ورزی، استقلال و استقامت در کار.

هانت و راتدهاما (۱۹۸۰) خصوصیات شخصیتی ۲۱ دانش‌آموز عقب مانده تحصیلی و ۳۵ دانش‌آموز تیزهوش را بررسی کردند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که دانش‌آموزان تیزهوش هیجانی، جرئتمند، پرشور و شوق، ریسک‌پذیر، صریح و رک بودند. در مقابل، دانش‌آموزان عقب مانده تحصیلی، خونسرد و آرام، مطیع، فرمانبردار و خجالتی بودند.

کارنس و وری (۱۹۸۱) اقدام به بررسی جرئت‌ورزی در دانش‌آموزان تیزهوش نمودند. آنها ۷۶ پسر و ۷۶ دختر را برای این منظور انتخاب نموده و پس از اجرای «جدول جرئت‌ورزی راتوس»^{۱۵} نتیجه گرفتند که میزان جرئت‌ورزی دختران تیزهوش بیشتر از پسران تیزهوش است. اما چرچ و کاتی بک (۱۹۹۲) نتیجه متفاوتی گرفتند. آنها گزارش نمودند که پسران در جرئت‌ورزی و رقابت‌طلبی، نمره بالاتری در مقایسه با دختران دریافت نمودند و در مقابل دختران عملکرد تحصیلی بهتری داشتند. پالمو و نیکی (۱۹۹۰) نیز معتقدند دختران بخاطر شرایط فرهنگی، معمولاً به سختی می‌توانند رفتارهای جرئت‌ورزانه خود را آشکار سازند و معمولاً دچار احساس گناه و تردید درباره خود می‌شوند.

کیلون (۱۹۸۳، به نقل از نمکی، ۱۳۷۶) برخی از ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان تیزهوش را با دانش‌آموزان غیرتیزهوش مقایسه کرد. نتیجه نشان داد که دانش‌آموزان تیزهوش نسبت به دانش‌آموزان غیرتیزهوش، جدی‌تر و خودکفاتر هستند و دارای «من» قوی‌تری می‌باشند. وی مشاهده کرد که پسران: خودداری، کنترل، قابلیت اعتماد، پرخاشگری، واقع‌گرایی و جرئت و ماجراجویی بیشتری دارند و دختران خیلی عاطفی‌ترند و خودداری و استقلال کمتری دارند. دختران غیرتیزهوش نسبت به پسران غیرتیزهوش واقع‌گرایی کمتری داشتند؛ اما تفاوت دختران و پسران: تیزهوش از این لحاظ معنادار نبود.

کارنز، چوین و ترانت (۱۹۸۵) با انجام تحقیقی بر روی ۱۹۹ دانش‌آموز تیزهوش، نشان دادند این افراد از میزان هیجان، جرئت‌ورزی و شور و شوق بیشتری نسبت به افراد عادی برخوردارند.

هام و شاگنسی (۱۹۹۲) خصوصیات شخصیتی ۲۱ پسر و ۱۱ دختر تیزهوش را بررسی کردند. نتایج تحقیق آنها نشان داد این دانش‌آموزان از جرئتمندی، اعتماد به نفس و اطمینان زیادی برخوردارند و این سه متغیر ذکر شده با پیشرفت تحصیلی همبستگی مثبتی دارد. ○ تحقیقات صورت گرفته در مورد خصوصیات والدین تیزهوشان نیز از جرئت‌ورزی بالای آن حکایت دارد.

گوکبنخ (۱۹۸۹) در پژوهشی کتابخانه‌ای، اقدام به جمع‌آوری تحقیقات گذشته در مورد خصوصیات شخصیتی والدین دانش‌آموزان تیزهوش نمود. وی پس از بحث و بررسی‌های فراوان نتیجه‌گیری کرد، در مجموع، میزان هوش، جرئت‌ورزی، و پافشاری روی اندیشه‌ها در والدین افراد تیزهوش، بیشتر از والدین دانش‌آموزان عادی است. فل و همکاران (۱۹۸۴) نیز گزارش نمودند پدران دانش‌آموزان تیزهوش در مقایسه با پدران دانش‌آموزان عادی با جرئت‌تر، باهوش‌تر و مستقل‌تر بودند.

○ از «حرمت خود» تعاریف متعددی به عمل آمده است که به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

از نظر ویلیام جیمز، حرمت خود، به آرزوها و ارزشهایی که آدمی برای خود تصور می‌نماید اشاره دارد و به طور کلی حرمت خود، با احساس ارزش در فرد، توسط ثبت تواناییهای واقعی فرد و نیروهای بالقوه وی محاسبه می‌شود. فرمول محاسبه آن هم عبارت

است از:

موفقیتها + انتظارات = حرمت خود.

از نظر راجرز، حرمت خود عبارت از ارزیابی و ارزشیابی مداوم شخص، نسبت به ارزشمندی خود و نوعی قضاوت شخصی نسبت به ارزشمندی وجودی خویش می‌باشد. این صفت، خاصیتی عمومی است و در همه انسانها وجود دارد و یک حالت ثابت و دائمی دارد. از نظر کوپر اسمیت (۱۹۶۷)، حرمت خود، به ارزشیابی فردی نسبت به خود اشاره دارد که بیانگر نگرشی از موافقت و پذیرش و یا عدم موافقت نسبت به قابلیتها، اهمیت، موفقیت و ارزش خود می‌باشد که معمولاً فرد این ارزشیابی را حفظ می‌کند. به طور خلاصه حرمت خود، یک قضاوت شخصی از با ارزش بودن است که از طریق نگرشهایی که فرد راجع به خودش دارد، نشان داده می‌شود؛ و یک تجربه فاعلی است که فرد از طریق گزارشهای کلامی و دیگر تجلیات رفتاری ابراز می‌کند. مازلو، از حرمت خود به عنوان یک نیاز یاد کرده و بیان می‌کند که: همه افراد جامعه ما (به غیر از برخی بیماران) به یک ارزشمندی ثابت و استوار و معمولاً عالی از خودشان، به احترام به خود یا احترام به دیگران تمایل یا نیاز دارند (اسلامی نسب، ۱۳۷۳). بنابراین، با افزایش عزت نفس می‌توان از بروز بسیاری از بیماریها جلوگیری نمود یا حداقل احتمال بروز برخی از بیماریها را تقلیل داد (سیلورستن، ۱۹۹۱؛ به نقل از عرفانی، ۱۳۷۴).

● **حرمت خودتیزهوشان.** تحقیقات بسیاری در مورد حرمت خود تیزهوشان انجام شده است. بعضی از این تحقیقات، به بررسی و مقایسه حرمت خود دانش‌آموزان تیزهوش و دانش‌آموزان عادی پرداخته است. برخی دیگر، به تفاوت‌های دو جنس در میزان حرمت خود توجه کرده و سرانجام بعضی دیگر از پژوهش‌ها، به بررسی عوامل مرتبط با حرمت خود در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی اهتمام ورزیده است. که به برخی از پژوهش‌ها که در زمینه حرمت خود تیزهوشان انجام یافته است، اشاره می‌کنیم:

گروس (۲۰۰۱) با انجام تحقیقی بر روی ۱۴۶۲ دانش‌آموز تیزهوش و ۵۱۴ دانش‌آموز عادی، که با استفاده از «پرسشنامه حرمت خود کوپر اسمیت» صورت گرفت، گزارش می‌کند که تیزهوشان در تمامی ابعاد حرمت خود (اجتماعی، تحصیلی و عمومی) از دانش‌آموزان عادی برتری دارند.

انریچ (۲۰۰۱) به بررسی خصوصیات ۳۳ دانش‌آموز تیزهوش و ۳۴ دانش‌آموز عادی پرداخت. وی گزارش می‌کند: تفاوتی در حرمت خود این دو گروه (تیزهوش و عادی) وجود ندارد.

سوئیتک (۲۰۰۲) با انجام مطالعه‌ای طولی از سال ۱۹۷۲ تا سال ۱۹۹۳، نشان داد دانش‌آموزان تیزهوشی که در مدرسه، پیشرفت تحصیلی متناسبی با استعدادهایشان را بدست نمی‌آورند، در مقایسه با دانش‌آموزان تیزهوش هم سن و سال خود که پیشرفت تحصیلی مناسبی دارند، از حرمت خود پایینی برخوردارند.

لوئیز (۱۹۹۷) نشان داد که دانش‌آموزان تیزهوش در هر دو فرهنگ آمریکا و آسیا، از عزت نفس بالاتری نسبت به همسالان غیرتیزهوش خود برخوردارند. همچنین، آنها از استعداد بالایی برای اضطراب برخوردارند. این تحقیق، در متغیرهای انتظارات والدین، نقش جنسی و هویت قومی، تفاوت معنی‌داری بین دو فرهنگ گزارش نکرد.

فتحی آشتیانی (۱۳۷۵) به «بررسی تحولی تصور از خود، حرمت خود، اضطراب و افسردگی در نوجوانان تیزهوش و عادی» پرداخت. وی ۱۳۱۴ آزمودنی را به طور تصادفی، از بین دانش‌آموزان پایه‌های اول و سوم تحصیلی شهر تهران انتخاب کرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که آنچه به طور معناداری بر «تصور از خود» و حرمت خود اثر می‌گذارد، «اضطراب» است.

● روش

پژوهش حاضر، از نوع تحقیقات توصیفی (غیر آزمایشی) می‌باشد و در دسته‌بندی این تحقیقات، در طبقه تحقیق پس‌رویدادی (علی - مقایسه‌ای) قرار می‌گیرد. روش‌های علی - مقایسه‌ای^{۱۶} یا روش‌های پس‌رویدادی، معمولاً به تحقیقاتی اطلاق می‌شود که در آنها پژوهشگر، با توجه به متغیر وابسته، به بررسی علل احتمالی وقوع آن می‌پردازد.

○ جامعه آماری مورد بررسی در پژوهش حاضر، کلیه دانش‌آموزان سال اول متوسطه مدارس تیزهوشان (شهیدبهشتی و فرزنانگان سمپاد) و مدارس عادی شهر زنجان که در سال تحصیلی ۸۱-۸۲ ثبت نام کرده‌اند را شامل می‌شود.

○ نمونه پژوهش حاضر، به حجم ۱۲۰ نفر انتخاب شده است. نمونه دانش‌آموزان تیزهوش

به تعداد ۶۰ نفر (۳۰ دختر و ۳۰ پسر) به صورت تصادفی ساده، از دبیرستانهای استعدادهای درخشان و نمونه دانش آموزان عادی نیز به حجم ۶۰ نفر (۳۰ دختر و ۳۰ پسر) به صورت تصادفی چند مرحله‌ای، از بین دبیرستانهای عادی شهر زنجان انتخاب شدند.

● ابزارهای گردآوری داده‌ها

الف- جدول جرئت‌ورزی گمبریل و ریچی^{۱۷}: این جدول دارای ۴۰ ماده می‌باشد که از دو قسمت تشکیل شده است و هر ماده آن، یک موقعیت را که مستلزم رفتار جرئتمندانه است، نشان می‌دهد. در قسمت اول، از آزمودنی خواسته می‌شود که میزان و شدت ناراحتی خود را در هنگام مواجه شدن با این موقعیتها بیان می‌کند. در قسمت بعدی، وی باید احتمال بروز رفتار خود را در موقعیت‌های ذکر شده، برحسب درجه‌بندی پنج‌گزینه‌ای بیان کند. نحوه نمره‌گذاری فرم اصلی جدول، به گونه‌ای است که در آن نمره بالاتر نشانه جرئت‌ورزی کمتر خواهد بود. در قسمت «احتمال بروز رفتار»، برای پاسخ «همیشه» نمره پنج، «معمولاً» نمره چهار، «به طور متوسط» نمره سه، «بندرت» نمره دو و «هیچ وقت» نمره یک را منظور کردیم. در قسمت «درجه ناراحتی» نیز، برای پاسخ «اصلاً ناراحت نمی‌شوم» نمره پنج، «کمی ناراحت می‌شوم» نمره چهار «به طور متوسط ناراحت می‌شوم» نمره سه، «زیاد ناراحت می‌شوم» نمره دو و «بسیار ناراحت می‌شوم» نمره یک تعلق گرفت. گمبریج و ریچی، در سال ۱۹۷۵، با استفاده از روش تحلیل عوامل پرسشنامه خود را تهیه کرده‌اند و نشان داده‌اند که این ابزار، وسیله مناسبی برای تشخیص جمعیت‌های بالینی و غیربالینی است (فائوری، ۱۹۸۷).

ب- سیاهه حرمت خودکو پراسمیت^{۱۸}: این سیاهه دارای امتیاز بین فرهنگی بودن است، زیرا هم بر روی دانشجویان انگلیسی و هم بر روی دانشجویان عرب هنجار شده است. این سیاهه، دارای ۵۸ ماده است که ۸ ماده آن دروغ سنخ است. در مجموع، ۵۰ ماده آن بر ۴ خرده مقیاس حرمت خود کلی، حرمت خود اجتماعی (همسالان)، حرمت خود خانوادگی (والدین) و حرمت خود تحصیلی (آموزشگاه) تقسیم شده است.

○ توصیف و تحلیل داده‌ها

در جدول ۱، میانگین و انحراف معیار نمرات «جرئت‌ورزی»، «حرمت خود» و «پیشرفت تحصیلی» به تفکیک گروه‌ها آمده است.

تحلیل داده‌ها

برای بررسی سؤالهای اول تا ششم پژوهش، مبنی بر مقایسه دانش آموزان تیزهوش و عادی دختر و پسر، در سه متغیر «جرئت‌ورزی»، «حرمت خود» و «پیشرفت تحصیلی»، تحلیل واریانس چند متغیره صورت گرفت که نتایج آن در جدول ۲ می‌آید.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار نمرات

گروه	شاخصها	میانگین			انحراف معیار	
		جرئت‌ورزی	حرمت خود	پیشرفت تحصیلی	جرئت‌ورزی	حرمت خود
تیزهوش	پسر	۲۸۰/۸۳	۳۹/۰۳	۱۹/۰۸	۳۳/۷۴	۵/۸۵
	دختر	۲۹۲/۶۳	۳۷/۲۳	۱۹/۳۱	۳۲/۱۱	۹/۷۲
	کل	۲۸۶/۷۳	۳۸/۱۳	۱۹/۲۰	۳۳/۲	۸
عادی	پسر	۲۵۰/۸۰	۳۳/۰۷	۱۶/۱۷	۲۳/۷۳	۶/۸۲
	دختر	۲۴۷/۹	۳۱/۴	۱۶/۵۶	۲۶/۹۱	۷/۱۲
	کل	۲۴۹/۳۵	۳۲/۲۳	۱۶/۳۷	۲۵/۲	۶/۹۶
کل	پسر	۲۶۵/۸۱	۳۶/۰۵	۱۷/۶۲	۳۲/۶۴	۶/۹۷
	دختر	۲۷۰/۴۶	۳۴/۳۱	۱۷/۹۳	۳۷/۰۳	۸/۹۴

با استفاده از آزمون هتلینگ معنی داری F چند متغیره با مقدار ۵۲/۷۵ حاکی از آن است که بین دانش آموزان «تیزهوش» و «عادی»، حداقل در یکی از متغیرهای «جرئت‌ورزی»، «حرمت خود» و «پیشرفت تحصیلی» تفاوت معنی داری وجود دارد. برای شناسایی این که دانش آموزان

جدول ۲- نتایج آزمونهای چند متغیری در بررسی تأثیر وضعیت ذهنی، جنس و اثر تعاملی این دو.

منبع تغییرات	شاخص	نام آزمون	ارزش مشاهده	درجه آزادی فرضیه	خطای درجه آزادی	F تقریبی	سطح معناداری
وضعیت ذهنی	پیلای	۵۸	۳	۱۱۴	۵۲/۷۵	۰/۰۰۱	
	ویلکز	۴۲	۳	۱۱۴	۵۲/۷۵	۰/۰۰۱	
	هتلینگ	۳۹	۳	۱۱۴	۵۲/۷۵	۰/۰۰۱	
	روی	۳۹	۳	۱۱۴	۵۲/۷۵	۰/۰۰۱	
جنس	پیلای	۰۴	۳	۱۱۴	۱/۸۳	۰/۱۴	
	ویلکز	۹۵	۳	۱۱۴	۱/۸۳	۰/۱۴	
	هتلینگ	۰۴	۳	۱۱۴	۱/۸۳	۰/۱۴	
	روی	۰۴	۳	۱۱۴	۱/۸۳	۰/۱۴	
اثر تعاملی وضعیت ذهنی و جنس	پیلای	۰۲	۳	۱۱۴	۰/۷۶	۰/۵۱	
	ویلکز	۹۸	۳	۱۱۴	۰/۷۶	۰/۵۱	
	هتلینگ	۰۲	۳	۱۱۴	۰/۷۶	۰/۵۱	
	روی	۰۲	۳	۱۱۴	۰/۷۶	۰/۵۱	

تیزهوش و عادی در کدام یک از متغیرها تفاوت دارند، اقدام به تحلیل واریانس تک متغیره نمودیم؛ که تفاوتی بین دانش آموزان «دختر» و «پسر»، در متغیرهای «جرئت ورزی»، «حرمت خود»

و «پیشرفت تحصیلی» وجود نداشت، بنابراین ضرورتی برای پیگیری نتایج در دانش آموزان دختر و پسر وجود ندارد.

جدول ۳- نتایج آزمونهای تک متغیری در بررسی تأثیر وضعیت ذهنی دانش آموزان

شاخصها / متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F مشاهده	سطح معناداری
جرئت ورزی	۴۱۹۲۵/۴۱	۱	۴۱۹۲۵/۴۱	۴۸/۵۱	۰/۰۰۱
عزت نفس	۱۰۴۴/۳۰	۱	۱۰۴۴/۳۰	۱۸/۵۰	۰/۰۰۱
پیشرفت تحصیلی	۲۴۰/۷۲	۱	۲۴۰/۷۲	۱۳۷/۴۱	۰/۰۰۱

جدول ۳ نشان می دهد که دانش آموزان تیزهوش و عادی، در هر سه متغیر «جرئت ورزی»، «حرمت خود» و «پیشرفت تحصیلی» تفاوت معناداری در سطح $p < 0/001$ داشتند. اینک می توان به بررسی سؤالات پژوهشی طرح شده در فصل اول پرداخت.

○ بحث و نتیجه گیری

در این قسمت به ترتیب، به بحث و بررسی سؤالات پژوهشی می پردازیم و به پژوهش های مرتبط با پژوهش فعلی اشاره کرده و اقدام به تبیین یافته ها می نمایم.

□ سؤال اول: آیا بین میزان جرئت ورزی دانش آموزان تیزهوش و عادی تفاوت وجود دارد؟

نتایج جدول ۳ نشان می دهد که تفاوت معناداری در سطح $p < 0/001$ بین جرئت ورزی دانش آموزان تیزهوش و عادی وجود دارد. با توجه به میانگین نمرات جرئت ورزی دانش آموزان تیزهوش ($\bar{x} = 286/73$) و عادی ($\bar{x} = 249/35$)، مشخص می شود که این تفاوت به نفع دانش آموزان تیزهوش است و این افراد از جرئت ورزی بیشتری در مقایسه با دانش آموزان عادی برخوردار هستند. این یافته با یافته های بوهن (۱۹۷۳)، هانت و راندهاوا (۱۹۸۰)، کارنس و وری (۱۹۸۱)، کارنس، چاوین ترانت (۱۹۸۵) و هام شاگنسی (۱۹۹۲)، همسو است.

مطالعات ترمن و تعداد زیادی از دانشمندان، این افسانه را که تیزهوشی با تعداد زیادی از

خصوصیات نامطلوب همراه است، به کلی برهم زده است. برعکس، این حقیقت اکنون آشکار شده است که کودکان تیزهوش در همه زمینه‌ها از قبیل هوش، وضع جسمانی، محبوبیت اجتماعی، پیشرفت درسی، ثبات عاطفی و حتی در امور اخلاقی سرآمد هستند (هالاها و کافمن، ۱۳۷۷). روانشناسان معتقدند، تیزهوشی در ابعاد گوناگون گسترده‌تری دارد و به معنای وسیع کلمه، علاوه بر توانایی فوق‌العاده و برجسته در یادگیری و شناخت، توأم با ویژگی‌هایی در ابعاد نگرشی، انگیزشی، ذهنی، رفتاری و حتی جسمانی است. علایق گسترده و نیازهای خاص نظیر کنجکاوی، پیشرفت علمی، خودگردانی، قوام و پایداری انفرادی، تعاون، کمال و تعالی‌جویی، نظم و امنیت و سرگرمی‌های خاص از خصایص انگیزشی تیزهوشی است. بنابراین فرد تیزهوش صرفاً کسی نیست که بهره‌هوشی بالاتری داشته باشد، بلکه در جنبه‌های مختلف شخصیت نیز این برتری وجود دارد. صداقت، ثبات خلقی، خوش بینی، هیجان‌پذیری، خودکفایی در امور، احساس مسئولیت و محبوبیت، برخی از صفات شخصیتی تیزهوشی هستند. در قلمرو رفتاری، افراد تیزهوش، فعالیت فوق‌العاده، تحرک برتر، سازگاری اجتماعی برجسته و توانایی اجتماعی قابل ملاحظه‌ای دارند (غلامعلی‌زاده، ۱۳۸۰). یکی از خصوصیات که بیشتر روانشناسان بر آن تأکید دارند، قدرت رهبری است. خصیصه رهبری در تیزهوشان، نشان دهنده این است که آنها قدرت تحت تأثیر قرار دادن دیگران را دارند و در موقعیت‌ها و اوضاع گوناگون، غالباً مدیریت و رهبری را در دست می‌گیرند؛ فعالیت‌ها و کوشش‌ها را سازمان داده و هدایت می‌کنند؛ برای تسلط بر محیط و اداره آن طرح می‌ریزند و در اجرای آنها قدرتمند هستند. با توجه به استعداد‌های شناختی و قدرت قضاوت و خلاقیت، قادر هستند با هدف‌داری وسیع و گسترده و اشراف بر عناصر یک موقعیت، نیروها را در جهت خاصی گسیل دارند. بدیهی است یکی از لوازم اجتناب‌ناپذیری برای رهبری، داشتن جرئت‌ورزی است. افرادی که این مهارت (جرئت‌ورزی) را دارند با اعتماد به نفس بالا وارد روابط اجتماعی شده و دیگران را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. ویژگی‌های شناختی دانش‌آموزان تیزهوش، این امکان را به آنها می‌دهد که قادر باشند اجزا را ارزشیابی نموده و در یک بافت واحد قرار دهند و با ارزیابی مبتنی بر واقعیت و مصلحت، رفتارهای مناسب را از خود بروز دهند. این خصوصیات شناختی، به همراه مهارت‌هایی مثل جرئت‌ورزی و اعتماد به نفس، دست به دست هم داده و باعث می‌شوند فرد موفقیت‌های

بیشتری در روابط اجتماعی کسب کند و همین موفقیت‌ها، به عنوان یک تقویت کننده عمل کرده و فرد را برای اتخاذ رفتارهای جرئتمندانه بیشتر، تشویق می‌کند.

□ سؤال دوم: آیا بین میزان حرمت خوددانش آموزان تیزهوش و عادی تفاوت وجود دارد؟

نتایج جدول ۳، نشان می‌دهد که تفاوت معنی داری در سطح $p < 0/001$ بین حرمت خود دانش آموزان تیزهوش و عادی وجود دارد. با توجه به میانگین نمرات حرمت خود دانش آموزان تیزهوش ($\bar{x} = 38/13$) و عادی ($\bar{x} = 32/23$)، مشخص می‌شود که این تفاوت به نفع دانش آموزان تیزهوش است و این افراد از حرمت خود بیشتری نسبت به همسالان عادی خود برخوردار هستند. این، با یافته‌های گروس (۲۰۰۱)، فائوری (۱۹۹۸)، لوئیز (۱۹۹۷)، هوانی (۱۹۹۰)، بهرامی‌پور (۱۳۷۵)، ترخان (۱۳۷۲) و پورمقدسیان (۱۳۷۲) همسو می‌باشد. اما با یافته‌های انریچ (۲۰۰۱)، بارتل و رینولدز (۱۹۸۶) و فتحی آشتیانی (۱۳۷۴) همسو نیست. به نظر می‌رسد، با توجه به آنچه که در مورد خصوصیات شخصیتی افراد تیزهوش گفته شد، انتظار می‌رود که این افراد، از حرمت خود بالاتری نسبت به افراد عادی برخوردار باشند. همان طور که در این پژوهش نیز، نتایج تحقیق، از حرمت خود بالای این افراد حکایت می‌کند. همان طور که جرئت‌ورزی دانش آموزان تیزهوش بالاتر از دانش آموزان عادی گزارش شد و از آنجا که جرئت‌ورزی دارای یک رابطه مثبت با حرمت خود است، طبیعی است که حرمت خود نیز همانند جرئت‌ورزی در این افراد بالاتر باشد.

□ سؤال سوم: آیا بین میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تیزهوش و عادی تفاوت وجود دارد؟

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در سطح $p < 0/001$ بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تیزهوش و عادی وجود دارد. با توجه به میانگین نمرات پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تیزهوش ($\bar{x} = 19/20$) و عادی ($\bar{x} = 16/37$)، مشخص می‌شود که این تفاوت به نفع دانش آموزان تیزهوش است و این افراد از پیشرفت تحصیلی بالاتری در مقایسه با دانش آموزان عادی برخوردار هستند. این یافته، با یافته‌های وان نازل - باسکا (۱۹۹۴)، ری‌زا (۱۹۹۸)، ولایک و همکاران (۱۹۹۹)، ریزنبرگ و همکاران (۱۹۹۲)، لیندا (۱۹۹۲) و ترخان (۱۳۷۲) همسو است.

□ سؤال چهارم: آیا بین میزان جرئت‌ورزی دانش آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد؟

نتایج جدول ۲، نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین جرئت‌ورزی دانش آموزان دختر

($\bar{x} = 270/26$) و پسر ($\bar{x} = 265/81$) وجود ندارد. این یافته، با یافته‌های کارنس و وری، پالمو و نیکی (۱۹۹۰) که گزارش نمودند جرئت‌ورزی پسران بیشتر از دختران است، همسو نیست. همچنین، این یافته با یافته‌های فلورین و زرنیتسکی (۱۹۸۷) که گزارش کردند جرئت‌ورزی دختران بیشتر از پسران است همسو نمی‌باشد. اما با تحقیق هرمزی‌نژاد و همکاران (۱۳۷۹) که تفاوتی در جرئت‌ورزی دختران و پسران گزارش نکردند، همسو می‌باشد.

□ سؤال پنجم: آیا بین میزان حرمت خوددانش آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد؟

نتایج جدول ۲، نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین حرمت خود دانش‌آموزان دختر ($\bar{x} = 34/31$) و پسر ($\bar{x} = 36/05$) وجود ندارد. این یافته، با یافته‌های کواتمن و واتسن (۲۰۰۱)، جیمز (۲۰۰۱)، توماس و دابمن (۲۰۰۱)، پولس-لینچ و همکاران (۲۰۰۱)، اُدیا و کاپوتی (۲۰۰۱)، مارکوت و همکاران (۲۰۰۲)، توموری (۲۰۰۰)، فتحی آشتیانی (۱۳۷۴)، کریمی (۱۳۷۵)، خادمیان (۱۳۷۲) و مهدویان (۱۳۷۴) همسو نیست. اما با یافته‌های وجدان‌پرست (۱۳۷۸)، معرفت (۱۳۷۷)، غفاری (۱۳۷۶)، رستمی (۱۳۷۵)، پورشافعی (۱۳۷۰) و صمدی هره‌دشت (۱۳۷۳) همسو است.

آنچه که در مورد تبیین عدم تفاوت در میزان جرئت‌ورزی دختران و پسران گفته شد، در مورد حرمت خود نیز صادق است. حرمت خود هم به مقدار زیادی تحت تأثیر شرایط و رجحانهای فرهنگی است. در فرهنگهایی که برای پسران ارزش زیادی قائل می‌شوند و با تعریف و تمجید و افتخار از او یاد می‌کنند و در مقابل دختران را تحقیر کرده، از او می‌خواهند که همیشه تابع مرد باشد، و برای نیازها و خواسته‌های دیگران بیشتر از نیازهای خود اهمیت بدهد، حرمت خود دختر شدیداً آسیب می‌بیند و در مقابل، پسران از حرمت خود بالاتری برخوردار می‌شوند.

□ سؤال ششم: آیا بین میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد؟

نتایج جدول ۲، نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر ($\bar{x} = 17/93$) و پسر ($\bar{x} = 17/62$) وجود ندارد. این یافته با یافته‌های مک‌میلان (۲۰۰۲)، گینی (۲۰۰۲) و وجدان‌پرست (۱۳۷۸) همسو نمی‌باشد، اما با یافته‌های رستمی (۱۳۷۵) و معرفت (۱۳۷۷) همسو است.

□ سؤال‌های هفتم و هشتم: آیا رابطه‌ای بین جرئت‌ورزی، حرمت خود و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی وجود دارد؟

با توجه به جدول ۴، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در دانش‌آموزان تیزهوش، بین دو متغیر جرئت‌ورزی و حرمت خود، رابطه معناداری در سطح $p < 0/05$ وجود دارد؛ اما ارتباطی بین متغیرهای جرئت‌ورزی با پیشرفت تحصیلی و حرمت خود با پیشرفت تحصیلی ملاحظه نمی‌شود.

○ در دانش‌آموزان عادی، رابطه معناداری بین هر سه متغیر فوق‌الذکر وجود دارد. رابطه جرئت‌ورزی با پیشرفت تحصیلی و همین‌طور جرئت‌ورزی با حرمت خود در سطح $p < 0/05$ و رابطه متغیرهای حرمت خود و پیشرفت تحصیلی در سطح $p < 0/01$ معنادار می‌باشد. بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته، بیانگر رابطه حرمت خود، جرئت‌ورزی و پیشرفت تحصیلی می‌باشد. دانش‌آموزانی که از حرمت خود بالایی برخوردارند و جرئت‌ورز هستند، به توانایی‌های خود اطمینان دارند و حداکثر تلاش را برای رسیدن به موفقیت به عمل می‌آورند و سپس با اسناد این موفقیت به قابلیت‌های خود، بر حرمت خود می‌افزایند. اما دانش‌آموزانی که دارای حرمت خود پایینی هستند، انتظار بسیار کمی برای موفقیت دارند و به همین خاطر، کمتر از توانایی خود تلاش می‌کنند که همین امر از احتمال موفقیت فرد می‌کاهد و در نتیجه فرد شکست می‌خورد، و شکست خود را حاصل از ناتوانی و بی‌کفایتی خود قلمداد می‌کند و از این طریق سطوح حرمت خود کاهش می‌یابد. پیشرفت تحصیلی، هم معلول حرمت خود بالا و جرئت‌ورزی است و هم علت آن.

○ نکته‌ای که در این پژوهش از آن غفلت شده است در این پژوهش، مهمترین نکته‌ای که محقق از آن غفلت نموده است، نقش «محیط آموزشی» است. با توجه به اینکه صرفاً به‌گزینش سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان برای شهر زنجان استفاده شده و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان عادی هم مورد توجه قرار گرفته، اصولاً به نقش «محیط آموزشی» پرداخته نشده است. چیزی که بالاتر از «هوش»، نقشی تعیین کننده در ایجاد «جرئت‌ورزی» و «حرمت خود» دانش‌آموزان دارد: وگرنه طبیعی است که دانش‌آموزان تیزهوش در پیشرفت تحصیلی بهتر از دانش‌آموزان عادی هستند.

○ ○ ○

● یادداشتها

- | | |
|--|--------------------------|
| 1- Assertiveness | 2- Interpersonal |
| 3- Shyness | 4- Positive self-concept |
| 5- Self-esteem | 6- Dominance |
| 7- Self-confidence | 8- Social phobia |
| 9- Social anxiety | 10- Intropunitive |
| 11- Creativity | 12- Etlar |
| 13- Gifted | 14- Wilson |
| 15- Rathus Assertiveness Schedule | 16- Causal-comparative |
| 17- Gambrill and Richey Assertiveness Schedule | |
| 18- Coopersmith Self-Esteem Inventory (SEI) | |

● منابع

- اسلامی نسب، علی. (۱۳۸۰)، روانشناسی اعتماد به نفس. تهران: انتشارات مهرداد.
- ایرانی زاده، جلال. (۱۳۷۶)، بررسی روشهای ابراز وجود در درمان کمروبی میان دانش آموزان پسر پایه دوم دبیرستانهای شهرستان یزد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- بهرامی پور، منصوره. (۱۳۷۵)، بررسی تحولی رابطه بین ناهمگنی در خودپنداشت، حرمت خود و افسردگی در نوجوانان سرآمد و عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- پورشافی، محمود. (۱۳۷۰)، بررسی رابطه عزت نفس با پیشرفت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران.
- پورمقدسیان، عبدالمجید. (۱۳۷۲)، مقایسه عزت نفس و مفهوم خود تحصیلی دانش آموزان مدارس عادی و تیزهوشان شهر دزفول. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
- ترخان، مرتضی؛ آزه‌ای، جواد و دلاور، علی. (۱۳۷۲)، بررسی رابطه بین موضع نظارت، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان تیزهوش و عادی. مجله استعدادهای درخشان، سال دوم، شماره ۸، ص ۳۹۷ - ۳۸۵.
- خادمیان، ملیحه السادات. (۱۳۷۲)، بررسی رابطه نگرشهای تربیتی والدین با عزت نفس دانش آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- رستمی، مجید. (۱۳۷۵)، بررسی رابطه عزت نفس، اضطراب و هوش با پیشرفت تحصیلی و مقایسه این متغیرها در دانش آموزان دختر و پسر نمونه دولتی و دبیرستانهای عادی شهر بوشهر. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- صمدی هره دشت، سهیلا. (۱۳۷۳)، بررسی و مقایسه عزت نفس دانشجویان دانشگاه گیلان و رابطه آن با مشکلات روانی آنان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.

- غفاری، محمدباقر. (۱۳۷۶)، بررسی رابطه عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی شهر مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.
- غلامعلیزاده، رضا و محسنی، نیکچهره. (۱۳۸۰)، مقایسه تحلی ادراک خود نزد دانش آموزان عادی و تیزهوش مجله استعدادهای درخشان، سال دهم، شماره ۴۰، ص ۳۸۸-۳۶۹.
- پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران .
- فتحی آشتیانی، علی؛ دکتر محمود منصور و دکتر جواد اژه‌ای. (۱۳۷۵)، بررسی تحلی تصور از خود، حرمت خود، اضطراب و افسردگی در نوجوانان تیزهوش و عادی. مجله استعدادهای درخشان، سال پنجم، شماره ۱۷، ص ۳۴-۷.
- فتوحی، زهره. (۱۳۸۰)، اثر بخشی آموزش ابراز وجود به شیوه گروهی در افزایش توان مقابله با استرس دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- معرفت، علی. (۱۳۷۷)، بررسی رابطه عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع راهنمایی مدارس دولتی و نمونه مردمی شهری. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- مکتبی، غلامحسین؛ اژه‌ای، جواد و دلاور، علی. (۱۳۷۵)، بررسی تحول اخلاقی و نعدوستی در دانشجویان تیزهوش و مستعد واقع در دانشگاههای شهر تهران. مجله استعدادهای درخشان، سال پنجم، شماره ۱۸، ص ۱۴۱-۱۲۵.
- مهدویان، علی رضا. (۱۳۷۴)، بررسی ارتباط پیشرفت تحصیلی با مرکز کنترل و عزت نفس در دانش آموزان سال سوم دبیرستانهای شهر مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- نمکی، زهرا؛ اژه‌ای، جواد و دلاور، علی. (۱۳۷۶)، مقایسه ویژگی های شخصیتی دانش آموزان دبیرستانی دختر و پسر تیزهوش و عادی. مجله استعدادهای درخشان، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۱۵۱-۱۲۴.
- وجدان پرست، حسین. (۱۳۷۸)، بررسی رابطه عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانشجویان علوم پایه و علوم انسانی مراکز تربیت معلم. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تبریز.
- هالاهان، دانیل و کافمن، جمیز. (۱۳۷۷)، کودکان استثنایی مقدمه ای بر آموزشهای ویژه. ترجمه مجتبی جوادیان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- هرمزی نژاد، معصومه؛ و شهینی بیلاق، منیجه و نجاریان، بهمن. (۱۳۷۹)، رابطه ساده و چندگانه متغیرهای عزت نفس، اضطراب اجتماعی و کمال گرایی با ابزار وجود دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال هفتم، شماره ۳ - ۴، ص ۵۰-۲۹.

Bartell, N. & Reynolds W. (1986). Depression and self esteem in academically gifted and non gifted children. *Journal of School Psychology*, 24(1), 55-61.

Bohn, M. J. (1973). Personality variables in successful work-study performance. *Journal of College*

- Student Personnel*, 14(2), 135-140.
- Church, A. T. & Katigbak, M. (1992). The cultural context of academic motives: A comparison of Filipino and American college student. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 23(1), 40-58.
- Enright, K. M. (2001). Family factors and self-esteem in gifted versus nongifted children. *Dissertation Abstracts International Section A: Humanities & Social Sciences*, 62(2-A), 79.
- Faouri, F. A. (1998). The impact of learning disabilities and giftedness on the self-esteem of students. *Dissertation Abstracts International Section A: Humanities & Social Sciences*, 59(5-A), 1524.
- Fell, I., Dahlstrom, M. & Winter, D. C. (1984). Personality traits of parents of gifted children. *Psychological Reports*, 54(2), 383-387.
- Florian, V. & Zernitsky, E. (1987). The effect of culture and gender on self-reported assertive behavior. *International Journal of Psychology*, 22, 153, 187.
- Gibney, E. (2002). Delinquent gang-affiliated youth: Relationships of role models and gender to educational goals and achievement. *Dissertation Abstracts International: Section B: The Sciences & Engineering*, 63(2-B), 1025.
- Gockenbach, L. (1989). A review of personality factors in parents of gifted children and their families: Implications for research. *Journal of Clinical Psychology*, 42(2), 210-213.
- Gross, M. U. M. (2001). Ability grouping, self esteem, and the gifted : A study of optical illusions and optimal environments. *National Research Symposium on Talent Development*. Scottsdale, AZ, US: Great Potential Press, Inc, 59-88.
- Ham, S. & Shaughnessy, M. F. (1992). Personality and scientific promise. *Psychological Reports*, 70(3,PT1), 971-975.
- Hunt, D. & Randhawa, B. (1980). Personality factors and ability groups. *Perceptual & Motor Skills*, 50 (3,pt), 902.
- Hwany, L. (1990). Self-esteem to gifted and mild mentally handicapped children. *Psychology in the School*, 27(3), 263-268.
- James, R. (2001). An analysis of children's self-esteem processes in relation to gender, age, and length of stay in a residential child care facility. *Dissertation Abstracts International Section A: Humanities & Social Sciences*, 1(7-A), 2592.
- Karnes, F. A; Chauvin, J. & Trant, T. J (1985). Comparison of personality profiles for intellectually gifted students and students outstanding in the fine and performing arts attending self-contained secondary schools. *Psychology in the Schools*, 22(2), 122- 126.
- Karnes, F. A. & Wherry, J. N. (1981). Assertiveness in gifted students as measured by the Modified Rathus Assertiveness Schedule. *Adolescence*, 16(64), 895-863.
- Lewis, C. M. (1997). Gifted Asian-American adolescent females. *Dissertation Abstracts International: Section B: The Sciences & Engineering*, 58(3-B), 1566.
- Linda, E. (1992). Gifted child quarterly. Academic under achievement among the gifted. *Roeper*

- Review*, 36(3), 140-146.
- Marcotte, D.; Fortin, I.; Potvin, P. & Papillon, P. (2002). Gender differences in depressive symptoms during adolescence: Role of gendertyped characteristics, self-esteem, body image, stressful life events, and pubertal status. *Journal of Emotional & Behavioral Disorders*, 10(1), 29-42.
- McMillien, M. M. (2002). Is there a gender gap in academic disengagement and achievement in middle childhood and early adolescent African Amerecans from low-income families? *Dissertaion Abstracts Internationals Section A: Humanities & Social Sciences*, 62(11-A), 3691.
- Odea, J. A. & Cuput, P. (2001). Association between socioeconomic status, weight, age and gender and the body image and weight control practices of 6 to 19 years old children and adolescent. *Health Education Research*, 16(5), 521-532.
- Palermou, B. S. & Nikelly, A. G. (1990). Assertiveness in women: Theory and technique. *Psychiatry*, (4), 302-307.
- Polce-Lynch, M.; Myers, B. J.; Kliewer, W. & Kilmartin, Ch. (2001). Adolescent self-esteem and gender: Exploring relations to sexual harrasment, body image, media, influence, and emotional expression. *Journal of Youth & Adolescence*, 30(2), 225-244.
- Quatman, T. & Watson, C. M. (2001). Gender differences in adolescent self-esteem: An exploration of domains. *Journal of Genetic Psychology*, 162(1), 93-117.
- Rakos, R. F. (1991). *Assertive behavior, research and training*. London & New York-Rutledge.
- Risenbrg, R. & Zimmerman, B. (1992). Self-regulated learning in gifted students. *Roeper Review*, 12(2), 98-101.
- Rizza, M.G. (1998). Exploring successful learning with talented female adolescent, *Dissertation Abstracts International, Section A: Humanities & Social Sciences*, 58 (8-A)3003.
- Swiatek, M. A. (2002). A decade of longitudinal research on academic acceleration through the study of mathematically precocious youth. *Roeper Review*, 24(3), 141-144.
- Thomas, J. & Daubman, A. (2001). The relationship between friendship quality and self-esteem in adolescent girls and body. *Sex Roles*, 45(1-2), 53-65.
- Tomori, M.; Zalar, B. & Plesnicar, B. (2000). Gender differences in psychosocial risk factors among Slovenian adolescents. *Adolescence*, 35(139), 431-443.
- Townend, A. (1991). *Developing assertiveness; self development for management*. London Press.
- Van Tassel-Baska, J.; Olszewski-Kubilius, P. & Kulieke, M. (1994). A study of self-concept and social support in advantaged and disadvantaged seventh and eighth grade gifted students. *Roeper Review*, 16(3), 186-191.
- Vlahovic-Stetic, V.; Vidovic, V. & Arambasic, L. (1999). Motivational characteristics in mathematical achievement. A study of gifted high-achieving, gifted underachieving and non-gifted pupils. *High Ability Studies*, 10(1), 37-49.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی